

پژوهش، در نیت، آفت می‌زند

دکتر جعفر حیرانی نوبری^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

Nobari@eed.kntu.ac.ir

چکیده

با کم و بیش اختلاف نظر، بر سر وضع نامطلوب پژوهشی در کشور و آسیب دیدن و آفت‌زده شدن آن اتفاق نظر هست. در بررسی وضع پژوهش و آسیب‌شناسی آن و همچنین ارائه راهکار، استفاده از منابع اصیل قرآن و عترت نکته‌ای است که در این نوشته به آن متمسک شده‌ایم. در اینجا آفت اصلی پژوهشی جدی نگرفتن اخلاص در آن عنوان شده است. اخلاص در عمل در امور فنی و مربوط به فنآوری همانند دیگر موارد شاه‌کلید رهایی از تباهی و رشد و بالندگی است. در مقابل عمل مشرکانه، سرچشمه‌ی تباهی‌ها است و شروع تباهی‌اش در نیت رخ میدهد. شرح داده شده است که عمل مشرکانه، توسط شیطان آراسته و ظاهرسازی می‌شود، و فریب نخوردن، مراقبتی فوق‌العاده می‌طلبد. اعضای جامعه دانشگاهی به وفور در معرض مصداق‌های موارد ذکر شده (که در این مقاله چندتایی از آنها برشمرده می‌شود) می‌باشند. در ابتدا باید راهکارهای سلبی برآمده از منابع اصیل به جد مورد توجه قرار گیرد که عمده‌تاً اصلاح قوانین و مقررات با از بین بردن قسمت‌ها و روندهای سوق دهنده به شرک است. پس از آن است که راهکارهای ایجابی درست تشخیص داده شده و به مرحله‌ی اجرا می‌رسند. تعدادی از این راهکارها در این مقاله ارائه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آفت‌شناسی پژوهش، ارتباط صنعت و دانشگاه، شرک در پژوهش، راهکارهای سلبی و ایجابی بهبود پژوهش

۱- مقدمه

همانگونه که در پوستر همایش نیز بخوبی اشاره شده بود، موضوع عدم گره خوردن فعالیت‌های پژوهشی به پیشرفت پایدار و هدفمند نبودن پژوهش و یا عدم تعریف درست پروژه‌های پژوهشی، همواره از موضوعات جدی بوده است. این موضوع در سنوات گذشته‌تر و بویژه برای پژوهش‌های مرتبط با فنآوری‌ها با عنوان ارتباط صنعت و دانشگاه مطرح می‌گردید.

در این نوشته بر این تکیه داریم که پرداختن به این موضوعات بصورت شکلی و غیر بنیادین مشکلی را که حل نمی‌کند بلکه مشکلی نیز بر مشکلات موجود می‌افزاید. پرداختن به اصلاح در شاخ و برگ درحالیکه داستان از ریشه دچار

^۱ تهران، خیابان دکتر شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، طبقه‌ی دوم ساختمان اساتید، اتاق ۲۰۳. تلفن: ۸۴۰۶۲۲۰۳

آسیب و آفت است، آب در هاون کوبیدن است. و بر عکس یافتنِ مفسده‌های ریشه‌ای و اصلی و کشفِ سرآغاز تباهی‌ها، هم جلوگیری از اتلاف بودجه‌های ملی و خصوصی را آسان‌تر خواهد نمود و هم نورافکنی خواهد شد برای یافتنِ راهِ درست و چگونگی پیمودنِ آن.

متأسفانه در گفتمان‌های موجود استفاده از منابع اصیل، برای راه‌یابی و هدایت‌مان از سکه افتاده و هرگاه در استدلال‌ها از قرآن کریم و یا روایات معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌گردد، دو نکتهٔ آزار دهنده، کار را بر شنونده و گوینده مشکل می‌کند.

نکتهٔ اول این است که بسیاری تصور می‌کنند که برداشت از این منابع برای فقط مواردی خاص است و آن هم متخصصینی بسیار خاص دارد و لذا به نوعی ورود به این منابع و استفاده از این اقیانوس‌های بی‌کران علم و حکمت را بر خود و سپس بر بسیاری و در بسیاری از موضوعات حرام کرده‌اند. به دیگر سخن این دسته در بهترین حالت، از ترس تفسیر به رأی و امثال اینها، آنقدر جانب احتیاط را برگزیده‌اند که در واقع نتیجهٔ کار آنها چیزی نشده جز اینکه دست را برای همهٔ انواع سخن‌گویان انحرافی و شیطنانی و چاه‌نماهای دغل‌باز، باز گذارده‌اند تا در این خلأ، به اصطلاح راه‌کارهای خود را که عموماً نیز باطل است، براحتی بخورد مردم دهند.

نکتهٔ دوم این است که هرگاه استدلال‌ها با ادبیات قرآن و عترت آغاز شده و ادامه می‌یابد، بسیاری در دل می‌گویند: مگر آنهایی که از این دست مشکلات و گره‌ها ندارند، مانند دنیای غرب، از قرآن و خدا و عترت استفاده نموده‌اند، لابد آنها از عقلشان استفاده نموده‌اند و از همین‌جا شروع به یک مقایسهٔ ساده‌لوحانه نموده و ادامه می‌دهند که: لذا نیازی به چنین استدلال‌هایی نیست و به این ترتیب، این نحوهٔ ورود به مسئله را از اساس غیر لازم و نحوهٔ استدلال را نیز کنار گذارده و درک نمی‌کنند.

هر چند دو نکتهٔ بالا آمده، دو نکتهٔ جدا از هم به نظر می‌آیند ولی در دوران کنونی ما، بسیار شبیهٔ دو لبهٔ یک قیچی عمل نموده و حق را پاره پاره می‌کنند. نکتهٔ اول دردی است که آدمی نمی‌داند سر به کجا بگذارد که تا این حد لازم باشد توضیح و اوضاحت داد و دردی است که سخن گفتن دربارهٔ آن خود یک مقولهٔ جداگانه می‌طلبد. اما نکتهٔ دوم نیز دردی است که شاید با یک خواهش و توضیح بتوان حداقل تا حدودی از بند آن موقتاً رهید و آن اینکه: اولاً نباید تصور کرد که حتماً و یقیناً آنها از این منبع‌های اصیل دور بوده‌اند و این میناها را نداشته‌اند که شواهد و قرائن فراوانی برای این وجود دارد که داشته‌اند و دارند. ثانیاً ما در آنجا نیستیم و مشکلات خود را با فرهنگ خودمان داریم و با فرهنگ و ادبیات خودمان نیز باید به آن بپردازیم و حل کنیم. آنها نیز همین کار را کرده‌اند و با فرهنگ خودشان به جنگ مشکلات خودشان رفته و می‌روند. لذا باید از خود بپرسیم آیا ما فرهنگ آنها را مسلط هستیم که می‌خواهیم قضاوتی به این مهمی را انجام دهیم لذا خواهش می‌کنیم و پیشنهاد می‌دهیم این مقایسهٔ ساده‌لوحانه و غیر عالمانه را رها نموده و آنرا بس دشوار تلقی نموده و لذا آنرا به وقت مناسب موکول کنند.

به این ترتیب و با این مقدمات به موضوع اصلی خود بازگشته و ابتدا در بخش ۲، آفت اصلی را عدم پیگیریِ اخلاص در عمل پژوهشی معرفی نموده و سپس در بخش ۳، این آفت زده شدنِ انگیزهٔ پژوهش برای غیر خدا را دقیقاً تعریف نموده و شرح می‌دهیم. سپس در بخش ۴، آرایش نمودنِ اعمال توسط شیطان را پیش خواهیم کشید. در بخش ۵ به برخی نمونه‌های موجود خواهیم پرداخت و در پایان بعنوان جمع‌بندی و پیشنهادات در بخش ۶ به راه‌کارها اشاره‌ای می‌گردد.

۲- نیت و اخلاص در پژوهش

اینکه در قرآن تا چه اندازه به موضوع توحید و عدم شرک توجه شده بر کسی پوشیده نیست. به غیر از همهٔ آیاتی که با کلمهٔ شرک جستجو می‌کنید باید عبارت "من دون الله" را نیز به جستجوی خود اضافه کنید. برای اینکه کمی جدی‌تر شده و ذهن‌تان حساس‌تر شود فقط چند نمونه از آیات را اشاره می‌کنیم:

- النساء-۴۸: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا" (محققاً خداوند گناه شرک را نخواهد بخشید و سواى شرک را برای هر که خواهد می‌بخشد و هر کس که شرک به خدا آورد، به دروغی که بافته گناهی بزرگ مرتکب شده است).
- عنکبوت-۱۷: "إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكَأً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ" (و بدانید که شما به جای خدا بت‌هایی را می‌پرستید و دروغی می‌سازید (که نام خدا بر آنها می‌نهدید، اینک بدانید که) آنچه را جز خدا می‌پرستید قادر بر رزق شما نیستند، پس روزی را نزد خدا طلبید و او را پرستید و شکر (نعمت) وی به جای آرید (و بدانید که) رجوع شما به سوی اوست).
- النمل-۲۴: "وَ جَدَّتْهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ" (او و قومش را چنین یافتیم که غیر از خدا برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه بازداشته بود، در نتیجه راه نیافته بودند).
- لقمان-۱۳: "وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانَ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعْظُمُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ" (و (یاد کن) وقتی که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است).

دقت کنید که نماز آکنده است از برائت از شرک، آنگاه که رسماً اعلام می‌دارید: ایاک نعبد و ایاک نستعین و همه سبحان الله ها که "عما یشرکون" است و تا آنجا که با گواهی بر "وحده لا شریک له" به پایان می‌برید. اینها همه نشان از آن است که اصل عدم شرک یعنی اصل لا اله الا الله یک شاه کلید است که مراقبت از آن حصن است. توجه کنید که حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند که در حدیث قدسی به پیامبر که درود خداوند بر او و آتش باد، گفته شد که کلمه لا اله الا الله حصن خداوند است که هر که داخل آن شود امنیت پیدا می‌کند. اینها چه چیزی را می‌خواست بگوید. آیا جز این است که فرهنگ ابراهیمی و غیر ابراهیمی تفاوت اصلی‌اش در "حنیفاً و ما انا من المشرکین" است. سخن ما در این نوشته این است که پژوهش که عملی بسیار مقدس است و همگان به ناچار در مراتب گوناگون به آن مشغول‌اند، مانند هر عمل دیگری با "برای غیر خدا شدن" آفت زده است. برای اینکه این موضوع روشن‌تر شود از روایتی که از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده استفاده می‌کنم. نکته‌سنجی از ایشان دربارهٔ آیه "قل کل يعمل علی شاکلته" می‌پرسد، که ایشان در پاسخ طی یک شرح مبسوطی که دربارهٔ اخلاص در عمل می‌دهند، در پایان می‌فرمایند: "قل کل يعمل علی شاکلته" یعنی علی نیت. بعبارت دیگر خلاصه می‌کنند و راهنمایی می‌کنند که عمل انسان شاکله‌ای دارد که همان نیت‌اش است و این عمل استوار است بر همان شاکله یا همان نیت.

البته آن روایت معروف را نیز بسیار شنیده‌اید: "الاعمال بالنیات" که تأیید دیگری است که عمل به نیت‌اش سنجیده می‌شود. بسیاری تصور می‌کنند که این فقط جنبهٔ قبولی عمل دارد در آخرت و به این ترتیب اخلاص در عمل را هر چند تأیید می‌کنند ولی آنرا دارای اثر وضعی و عملیاتی و کاربردی در برنامه‌ریزی و همهٔ شئون عمل تا حصول نتیجه نمی‌بینند. این درحالیست که قرآن همواره تأکید دارد که فقط این گروه‌اند که نتیجه می‌گیرند که "اولئک هم المفلحون" آنها و فقط همانها هستند که نتیجه می‌گیرند.

با کمک آیات و روایات می‌توان نتیجه گرفت که عمل انسان به ترتیب شامل هفت مرحله است:

۱- نظر: که دیدگاه و بینش انسان است که دل نگران آنهاست و دل‌نگرانی‌های آدمی را می‌سازد.

۲- عقیده: که دل خود را به آنها می‌بندد و اصطلاحاً دل‌بستگی‌های انسان را می‌سازد.

۳- حال: که دل در آن است که دل دادگی‌ها صورت می‌پذیرد.

۴- خلق: که رفتار را می‌سازد.

۵- صنع: که برنامه‌ای است که می‌ریزد.

۶- قول: آنچه‌ای است که به آن پای‌بند می‌شود.

۷- فعل: آنچه‌ای از عمل است که نهایتاً بانجام و فعلیت می‌رسد.

لذا فقط و فقط اگر دیدگاه و بینش توحیدی سرآغاز باشد، عقاید توحیدی در ادامه شکل می‌گیرد و این دو نیز، حالی توحیدی ایجاد می‌کنند. اینکه در آن دعای شریف تحول حال‌مان را به بهترین حال درخواست می‌کنیم، بدنبال حال توحیدی که حالی غیر شرک‌آلود است، هستیم. سپس دلی که به این حال رسیده باشد دلی است که خداوند در آن نور علم را می‌اندازد. "العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء" .

برعکس اگر می‌خواهید کار پژوهشی به نتیجه نرسد کافیسیت آنرا در دیدگاهی که دارد برای آن عمل شکل می‌گیرد، دچار شرک کنید و برای غیر خدا کنید. کافیسیت شیطان تلاش کند تا نیت یا شاید آنچه که در فارسی بنام انگیزه گفته می‌شود را برای "غیر خدا" کند یا در آن برای "غیر خدا" نیز جایی باز کند و اصطلاحاً ما را به شریک‌گذارن با خدا بیاندازد و خلاصه به این ترتیب نطفه ناپاکی و فساد و تباهی را بکارد. ملاحظه کنید که اولین نهی خداوند در قرآن چیست؟ "فلاتجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون" برای خداوند انواع همتایان نگذارید درحالی‌که خود بخوبی می‌دانید.

شاید بی‌توجهی به چنین موضوع کلیدی از آنجا شکل گرفته باشد که تصور کرده‌ایم موضوع شرک فقط موضوعی بوده که مربوط به بت‌پرستی و از این قبیل می‌شده است و لذا با ساده‌انگاری نتیجه گرفته‌ایم که به ما مربوط نمی‌شود و ما از آن مبرا هستیم. ولی باید عرض کنم که ابدأ چنین تصویری صحیح نیست. شرک براحتی در نیت‌های ما می‌تواند نفوذ کند. براحتی در عقاید ما می‌تواند نفوذ کند و حالی مشرکانه و رفتاری مشرکانه پیدا کنیم. چه اگر چنین سهل بود تا این حد حتی به شخص پیامبر خطاب و نهیب زده نمی‌شد که "ولا تکونن من المشرکین" و یا به اهل ایمان نیز نهیب زده نمی‌شد که "ولا تکونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعاً". و نباشید از شریک‌گیرندگان، از کسانی که فرق دادند دینشان را و شیعه‌ها گردیدند.

پس تأکید می‌کنیم که ریشه همه نابسامانی‌ها در پژوهش را باید در سر منشأ نیت‌های غیر الهی جستجو نمود و برای رسیدن به پژوهش و برنامه‌ریزی پژوهشی صحیح باید نیت‌های پژوهشی را پاک و خدایی نمود.

۳- غیر خدایی و آفت‌زده شدن در انگیزه پژوهش یعنی چه؟

در این قسمت می‌خواهیم بطور دقیق، وارد کردن غیر خدا در انگیزه پژوهشی را تعریف کنیم تا بتوان انگیزه‌های الهی و غیر الهی را از هم تمییز داد. چراکه وقتی بطور کلی گفته شود باید برای خدا باشد، بسیاری از ما گاه همه انگیزه‌ها را خدایی می‌نامیم و گاه همه را هم غیر خدایی و به نوعی موضوع به تمسخر گرفته می‌شود. درحالی‌که چنانچه در بخش پیشین اشاره شد این اکسیر یک شاه‌کلید است برای تشخیص سره از ناسره.

برخی تصور می‌کنند که این انگیزه‌های الهی برای کارهای گوناگون به ما آموزانده نشده است. روشن‌تر بگوییم بسیاری تصور می‌کنند باید بگردیم و خودمان پیدا کنیم که هر کاری را با چه نیتی انجام دهیم که قربه الی الله باشد؟ و این پیشتر به ما آموزانده نشده است. باید صراحتاً عرض کنم که چنین نیست! و نیت درست و نادرست در همه زمینه‌های اعمال انسان از جمله پژوهش‌های علمی و فنی به ما توسط ثقلین آموزانده شده است و فقط ما باید پای درس آنها نشستیم و آنها را بیاموزیم. در همین موضوع بحث یعنی پژوهش‌های علمی، آیا کم روایت داریم که باید نیت اهل علم و جویندگانش چه باشد و چه نباشد. آیا در قرآن کم در مورد حال اهل علم واقعی گفته شده و همین‌طور آیا کم در مورد اهل علم‌های ظاهری گفته شده

است؟! آیا داستان قارون‌ها و هامان‌ها کم در قرآن آمده و آیا ویژگی‌های کسانی که علم واقعی به ایشان داده شده است (الذین اتوالعلم) در قرآن کم آمده است.

آیا نشنیده‌ایم عاقبت کسانی که برای خودنمایی و یا برتری‌جویی و جلوتر از دیگران شدن به دنبال علم، پژوهش می‌کنند چیست؟ یا در دعای پس از نماز عصر هر روز، نیاموختند که از علمی که نفعی ندارد به خدا باید پناه برد. آیا نشنیده‌ایم که اگر کسی برای فخرفروشی در آتی، بدنبال علم باشد و پژوهش کند، سر از جهنم در خواهد آورد.

باید دید اجازه داریم با چه نیتی در هر علمی پژوهش کنیم و فقط به همان نیت وارد شویم و غیر آن می‌شود شرک و غیر خدا! از ابتدا تا انتها و در تمامی مراحل پژوهش نیز چنین است باید ملاحظه نمود و دید چه نیت و انگیزه‌ای مجاز است و فقط آنرا بگیریم و غیر آن می‌شود غیر خدا را شریک دادن.

برای پژوهش علمی فقط درست تشخیص دادن درد و نیاز مردم و همینطور تلاش برای درمان نمودن به موقع و درست آن درد و نیاز، انگیزه الهی است و غیر آن، غیر الهی است. ملاحظه کنید: "ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً"، و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و دل، همه مورد پرسش واقع خواهند شد. پس برای آنکه هر کاری را دنبال کنیم لازم است پیشتر علم لازم را داشته باشیم و پیگیری بی‌دانش نادرست است. از اینجاست که رسول اکرم که درود بر او و خاندانش باد فرمود و آموخت: "طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه" و نیز آموخت: "اطلبوا العلم من المهد الی اللحد". یعنی مانند نماز که واجب است پژوهش علمی نیز برای همه همه واجب است و زمان نیز ندارد تا گور باید ادامه یابد. پس هرگز مخلوط کردن هر نیت دیگری جز آنچه ایشان گفته‌اند جایز نمی‌باشد و اگر شد می‌شود شرک‌آلود.

پس پژوهش علمی برای رفع نیاز پیش‌آمده و یا پیش‌آینده است و نه هیچ چیز دیگر و اگر هر چیز دیگری انگیزه شما شد، باطل و غیر خداست. آیا قرآن گفته و یا معصومی فرموده که برای گرفتن یک موقعیت اجتماعی، پژوهش علمی کن. کجا گفته شد که برای گرفتن فلان درجه دانشگاهی یا دانشجویی برو پژوهش علمی کن! کجا گفته شده است برای پذیرفته شدن در مجامع علمی داخلی یا خارجی تلاش کنم تا در پژوهشی علمی مقاله‌ای بنویسم. و بسیاری از این انگیزه‌های غیر الهی را کدام آیه گفت یا کدام پیامبر یا امام معصوم گفته است!؟

۴- آرایش اعمال توسط شیطان

برخی، هنگامیکه با مطالب بالا برخورد می‌کنند، و احیاناً مرتکب این انگیزه‌های باطل شده‌اند، شروع می‌کنند به توجیه آنها. یعنی شروع می‌کنند به اینکه اعمال آنگونه خود را برای خودشان و برای دیگران موجه جلوه دهند.

قرآن می‌آموزد که این کار، کار شیطان است، ملاحظه کنید که هدهد آن پرنده مأمورش درباره ملکه سبا و قومش چگونه دریافته است (النمل: ۲۴): وَجَدْتُهُمْ وَ قَوْمَهُمْ يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ، او و قومش را چنین یافتیم که غیر از خدا برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه بازداشته بود، در نتیجه راه نیافته بودند.

این آیه شریفه می‌آموزد که مرحله بعد از شرک‌آلودگی، آراستن اعمال توسط شیطان است. پر واضح است که عمل شرک‌آلود حتماً زشت و قبیح است و اگر به همان صورت زشت در بین مردم جلوه کند، سریعاً با بی‌مهری مواجه شده و نابود می‌گردد. لذاست که شیطان در اینجا دست به کار می‌شود و این عمل زشت را بگونه‌ای می‌آراید تا دیگر در نزد ظاهربینان زشت جلوه نکرده و حتی به نظر زیبا نیز باشد.

قرآن روشن می‌کند که این آرایش نیز برای ماندگار کردن آن عمل زشت است تا بدین‌وسیله آدمیان را راه پیشرفت و تعالی ببندد و گم شده و راه‌گریز از بن‌بست‌ها را نیز نیابند. در مثال‌هایی که در بخش بعد می‌آید خواهیم دید که چگونه این

مراحل در ما طی شده و چگونه راه پیشرفت را بسته است. البته همین جا باید یادآور شد که این نتایج همگی از شرک‌آلود نمودن عمل توسط خودمان شروع گشته است و مشکل را از آفتش در ریشه باید سوزاند.

۵- نمونه‌ها

نمونه اول:

عنوان مدرک‌گرایی را بسیار شنیده‌ایم. آیا این موضوع امروزه کاملاً ما را در بر نگرفته است و هر یک از ما به نوعی آنرا توجیه نمی‌کنیم؟ خوب که دقت گردد، می‌توان ریشه‌های شرک‌آلود نمودن را در این فرآیند یافت. از آنجاییکه در قوانین اداری، به ازای هر مدرکی که بالاتر باشد، امتیاز شغلی و مقامی و مالی بیشتری را نهاده‌ایم، همگان را سوق داده‌ایم تا برای رسیدن به هر یک از امتیازات اشاره شده‌ی بالا، بدنبال علم بروند و در نتیجه پژوهش کنند و الی آخر.

معلوم نیست چه کسی به ما اجازه داده بود که اینچنین نیت و انگیزه مردم را به فساد و تباهی سوق دهیم. از همان ابتدا معلوم بود با نیت چنین بازی کردن چقدر خلاف دستورات الهی است ولی برای اینکه کار را موجه جلوه دهیم، نام اینگونه اعمال مان را تخصص‌گرایی و علم‌گرایی نامیده‌ایم. کدامان نمی‌داند که این فقط یک آراستن زیرکانه شیطانی، بیش نیست.

به این ترتیب است که از همان ابتدا بسیاری از کسانی را که بدنبال علم باید بروند و تا گور نیز باید چنین پژوهشی را کار خود و برنامه خود کنند و در این راه جز انگیزه خدایی و اطاعت فرمان رسول او و آن هم فقط و فقط برای "بر اساس علم حرکت کردن در کارهاشان" باید پژوهش کنند و نباید انگیزه دیگری را مخلوط کنند، به یکباره به وادی شرک موقعیت اداری و مالی و ... انداخته شده‌اند.

چنانچه دقت شود تخصص‌گرایی واقعی و حقیقی و شایسته‌سالاری حقیقی نیز به مخاطره جدی افتاده است. تولید مدرک‌داران بی‌درک درست از تخصص مورد انتظار در کنار بسیاری از تخصص‌های مورد نیازی که متخصص واقعی برای آن یافت نمی‌شود. جالب این است که داد و فغان‌مان نیز بلند است که چرا پژوهش‌های ما و پژوهشگران ما نه نیازهای واقعی مردم را تشخیص می‌دهند و نه بدنبال حل مشکلات واقعی‌اند و نه برای آن تربیت یافته‌اند. این داد و فغان را باید بر سر این ریشه‌های شرک‌آلود کننده، کشید و باید که عوامل از سرچشمه آلوده کننده را خشکاند.

نمونه دوم:

توجه کنید که در ده ساله گذشته، با وضع قوانینی، ارتقای اعضای هیئت علمی را به نوشتن و انتشار مقالات گره زده‌اند. نوشتن را که کاری بس مقدس و لازم است، با آرایشی بسیار با ظرافت، به شرک ارتقا یافتن دنیوی، گره زده‌اند. خوب دقت کنید، خلاصه داستان چنین است: اگر می‌خواهی ارتقا یابی، باید مقاله بدهی. پس انگیزه نوشتن را می‌چرخاند به ارتقای مقام او، درحالیکه انگیزه نوشتن فقط و فقط باید برای همانی می‌بود که امیرالمؤمنین علیه‌السلام بسادگی و روشن دستور داده بود و لا غیر. ایشان فرمودند که برای اینکه علم‌تان را افسار زده و به زنجیر بکشید، بنویسید. که به این ترتیب از گزند همه‌گونه فراموشی و غفلت و عدم توانایی برای ارائه به دیگران در صورت لزوم، مصون می‌ماند. این نیت بسیار پاک و روشن را با چنان قوانینی دچار آن تباهی‌ای می‌کنیم، که دیگر کسی جلوی آنرا نمی‌تواند بگیرد.

چه بسیار از مقالات نوشته شده پذیرفته شده و نشده محافل گوناگون که برای دواي هیچ دردی نوشته نشده‌اند. چه بسیاری که اساساً فقط نوشته شده‌اند و فرآیند پژوهشی درستی را در پشت خود ندارند ولی چون هدف فقط نوشته شدن و پذیرفته شدن در محافلی از پیش معین بوده است، نه بر اساس یک نیاز واقعی شکل گرفته‌اند و نه روند درستی را برای پژوهش طی نموده‌اند. تازه برای چاپ و پذیرفته شدن آنها در محافل خارجی هزینه‌های هنگفتی بعنوان پژوهش نیز از بودجه مردمی که چشم امید خود را به این پژوهشگران و فرهیختگان دوخته‌اند، رفته است و می‌رود. به این ترتیب موضوع انتشار نیز که آن هم فقط برای کسب رضای خدا و در راه خدا باید باشد، آلوده همان مقام‌طلبی‌ها و خودنمایی‌ها شده است.

چه بسیار روایات بدستمان رسیده که پژوهش علمی، اگر ذره‌ای برای خودنمایی‌ای باشد، چه بلایی بر سر دنیا و سرانجام کار آن یعنی آخرت آن پژوهشگر می‌آورد. آیا اینکه بنویسد و سعی کند به این و آن بقبولاند و بالأخره آنها را متقاعد به انتشار کند، تا در ارتقای او مؤثر افتد، آیا این کافی نیست تا همه زحمات پژوهشی او به تباهی کشیده شود و به قول قرآن حبط عمل گردد.

نمونه سوم:

یکی از مقولاتی که بویژه گریبان پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های تحصیلات تکمیلی را گرفته است، کلمه‌ای است بنام "نوآوری" که بسیار باب شده و جا افتاده است. اینگونه اظهار می‌شود که باید و لازم است که این پژوهش‌ها حتماً دارای نوآوری باشد. و اگر به قول ایشان نوآوری در کار نباشد اساساً پذیرفته نیست و کاری است دون شأن! ولو اینکه از جنبه‌های پیاده‌سازی گردآوری در خور توجه باشد. مثلاً در دفاعیه‌های این پژوهشگران بسیار این پرسش شنیده می‌شود که نوآوری شما چه بوده است؟ و آن پژوهشگر ناچار و لابد مؤظف است به نوعی نشان دهد که نوآوری‌ای داشته است.

چنان این موضوع جا افتاده است که اساتید نیز لازم و بر خود واجب می‌دانند که به نوعی نشان دهند که موضوع مورد توجه‌شان که فلان دانشجوی ارشد تحت راهنمایی ایشان کار کرده، حتماً نوآوری داشته است. چنانچه اگر چنین نباشد، بقیه به طعنه به ایشان گویند که این کار ارزشی ندارد چرا که تکراری است و فلان جای جهان، انجام شده است. این خود باعث است که از ابتدا نیز این نوع پژوهش‌ها تخطئه شده و هم اساتید و هم دانشجویان از دست زدن به چنین کارهای باصلاح غیر نوآورانه پرهیز کنند. به این ترتیب کلمه دیگری نیز درست شده است بنام مرزهای دانش و لازم است پژوهش‌ها مان در مرزهای دانش باشد و لبه‌های علم و تکنولوژی را به پیش برد. و این خود فخری است. و انگار نه انگار که صنعت کشور از مرزهای مذکور عقب‌تر است.

حال دقت کنید که چگونه با یک نیت کاذب و باطل جلوی بسیاری از فعالیت‌های پژوهشی گرفته شده است. نیت باطل در اینجا نوآوری است. یعنی انگیزه کاذب و باطل نوآوری ما را از کارهای بسیار واجب و لازم باز داشته است. در اینجا با یک مثال روشن و دست به گریبان‌مان این موضوع را پیش می‌بریم. فناوری الکترونیک را در نظر بگیرید. چه کسی نمی‌داند که ما در کشورمان چه اندازه نسبت به پیشرفت‌های جهان عقب هستیم و برای دستیابی به آن فنون عقب‌افتاده چه بسیار موضوعات پژوهشی که باید و ناچار آنها را سرلوحه پژوهش‌ها مان قرار دهیم و اتفاقاً فشار و انگیزه فراوانی هم داشته باشیم تا بتوانیم عقب‌افتادگی‌ها را جبران کنیم. همه بخوبی این را درک می‌کنند ولی پر واضح است که البته هیچ یک از این پژوهش‌ها نوآوری محسوب نمی‌شود و برعکس در راه دستیابی به آنها باید تلاش مضاعف پژوهش برای گردآوری کارهای دیگران کنیم تا بتوانیم هر چه سریعتر از تجربیات دیگران تا همان حدی هم که منتشر نموده‌اند استفاده کرده و به هر حال نیاز خود را برطرف کنیم.

پر واضح است که این گردآوری‌های هدفمند طاقت‌فرسا و بکارگیری و آزمون و خطاهای در راه بکارگیری آنها و یافتن راه‌ها، همه و همه هیچ نوآوری‌ای ندارد چراکه همگی پیشتر در جایی بانجام رسیده است. تازه وقتی می‌رسی همه می‌گویند اینها که همه در فلان جا نوشته شده بود. درحالیکه فاصله بین نوشته تا انجام و به نتیجه رسیدن مانند فاصله زمین تا آسمان است. البته این مفهوم را فقط کسانی متوجه می‌شوند که کارهای عملی نموده و فن را ایجاد و از صفر تا صدش را خود انجام داده باشند.

اما نتیجه برای همگان قابل ارزیابی است. هم‌اکنون چون بسیاری از نیازهای جامعه ما به قول دوستان در مرزهای دانش نیست، متولی هم ندارد و برعکس برخی از نیازهای فنی جوامع دیگر چون مثلاً در مرزهای دانش است، متولی دارد. البته پژوهشگران مربوطه نیز با این جمله خود را راضی نگه می‌دارند که ما خدمت به بشریت در جهان را سرلوحه کارمان داریم و دانش مرز نمی‌شناسد و به این ترتیب با یک ژست روشن‌فکرانه از زیر بار مسئولیت‌داری به نیازهای بشرهای جامعه

خودشان که از بیت‌المال آنها ارتزاق می‌کنند، طفره می‌روند. بسیاری از فنون و علوم دیگر نیز هستند که مانند الکترونیک می‌توانند مثال این موضوع باشند.

اینکه ما به یکدیگر فخر بفروشیم که من چنین و چنان نوآوری کردم، باید ما را از وظایف اصلی مان واگذارد؟ وظیفه اصلی ما این است که بطور شبانه‌روزی در تکاپو و پژوهش باشیم که اولاً عقب‌افتادگی‌های فنی و علمی جامعه‌مان را بدرستی تشخیص دهیم و ثانیاً همه دانشجویان و علاقمندان را نیز بسیج کنیم تا این عقب‌افتادگی‌ها را جبران کنیم. نه اینکه با یک کلمه ظاهر فریب نوآوری اینچنین فریفته شویم. چه جامعه غیر هوشمندی باید شده باشیم که تا به این حد آسان، فریب آرایش شیطانی را خورده باشیم.

آنانی هم که واقعاً دلسوزانه می‌خواهند در نوآوری‌ای برای لبه‌های دانش قدم بردارند لازم است به مراکز آنها و آزمایشگاه‌ها و امکانات آنها دسترسی یابند و در کنار آنها کاری کنند که آن هم برای جامعه ما نخواهد بود چون هیچ یک از زیرساخت‌ها را در جامعه خودمان، پیشتر نپرداخته‌ایم. در واقع باید به آنها نیز گفت که برای رسیدن به آن نوآوری‌های جهانی نیز راه درست از همین دردهای کنونی‌مان می‌گذرد که ظاهر نوآورانه‌ای ندارد. حال چه شده که نه تنها به این اصلی‌ترها نمی‌پردازیم بلکه با اتهام عدم نوآوری آنها را تخطئه نموده و به تعطیلی می‌کشانیم.

۶- جمع‌بندی و پیشنهاد

در این نوشته سعی شد شرح داده شود که آفت پژوهش که یکی از مقدس‌ترین کارهایی است که ما به آن باید بپردازیم، مانند همه اعمال دیگرمان از سرچشمه زلال الهی خود می‌تواند آلوده شود و غیر خدایی شود. این نیز در نیت ماست که می‌تواند به تباهی کشیده شده و فاسد شود. در نمونه‌هایی شرح دادیم که این فساد آنقدر می‌تواند ریشه دواند که دیگران را نیز به فساد بکشد و به تعبیر قرآن، مفسد شود.

شرح دادیم که بسیاری از تعابیر و نام‌گذاری‌ها مانند ارتقا و نوآوری و ... چیزی نیستند جز کار شیطان که می‌خواهد اعمال مشرکانه ما را برای ما به نوعی تزیین نموده و بیاراید. لذا باید هوشیار شده و با چنین کلمات ظاهر فریب، فریفته نشده و به اصل و وظیفه اصلی خدایی‌مان برگشته و بپردازیم و ذره‌ای نیز کوتاه نیاییم. آن هم در پژوهش‌های علمی و فنی نیست مگر تشخیص درست درد خودمان و مردم‌مان و جامعه‌مان و تلاش برای درمان هر چه سریعتر و ریشه‌ای‌تر آنها.

اگر این موضوع اساسی و شاه کلید به قلب‌مان نشسته باشد، می‌توان به پیشنهادهای درست نیز رسید ان‌شاءالله. از منظر سیاست‌گذاران و مدیران پژوهشی، ابتدا باید در قوانین و آیین‌نامه‌ها و روندها بگردیم و هر آنچه به نوعی نیت‌های پژوهشی را به ناپاکی سوق می‌دهد از بین برده و روند را تصحیح نمود. درست است که در نیت، هر کس خود مسئول نیت خود است ولی مدیران و سیاست‌گذاران از این جهت که هرگز نباید فضا را به سمت ناپاکی نیت سوق دهند، یک مسئولیت انکارناپذیر و پرمخاطره‌تر دارند. این راهکار سلبی است یعنی آنچه در سیاست‌ها سوق دهنده نیت‌ها به غیر خداست را فوراً نابود کنند و همواره نیز مراقب باشند تا آنچه جدید می‌گذارند نیز دوباره تباهی دیگری را بنا نگذارد.

ضمناً در اجرا نیز باید مراقبت کنند که مجریان مربوطه همواره فضای پاک را حفظ کنند و همواره برخورد‌ها بگونه‌ای سوق پیدا نکند که پژوهش با نیت غیر خدایی شکل پذیرد. یعنی ممکن است در آیین‌نامه‌ها تغییراتی بنیادین صورت پذیرد ولی مجریان در اجرا آنها را باز هم دگرگون کرده و دوباره فضای ناپاک، این بار بگونه‌ای دیگر و از منفذی دیگر رسوخ کند. لذا مراقبت ویژه برای حفظ واقعی فضای نیت‌ها و انگیزه‌های خدایی و پرهیز از نیت‌ها و انگیزه‌های غیر آن را به عنوان یک پژوهش همیشگی سرلوحه پژوهش‌ها قرار دهند و در هر زمان آنها را شناسایی و راه نفوذ آنها را ببندند.

به نظر نگارنده تا این راهکارهای سلبی به جد سرلوحه مدیران قرار نگیرد و اجرا نگردد، راهکارهای بدربخور ایجابی پیش نخواهد آمد و فرصت بروز و ظهور نخواهند یافت. صریح‌تر بگویم راهکارهای ایجابی در بستر اجرای جدی این راهکارهای سلبی توسط خداوند تبارک و تعالی به مرور و به موقع خودش به مسئولین مربوطه از راه‌های گوناگونی که خداوند خود بهتر می‌داند، الهام خواهد شد.

لذاست که به عنوان راهکار ایجابی برای مدیران و سیاست‌گذاران فقط می‌گوییم: بگردید ببینید، چه کسانی دلسوزانه سعی در دیدن مشکلات واقعی و سعی در حل آنها دارند، ایشان را یافته و به حرفشان گوش فرا داده و بوسیله اهمیت دادن به سخنان و پیشنهاداتشان و راهکارهایشان آنها را مشاوران امین خود قرار دهید و در راهشان یاری و حمایتی را که وظیفه‌تان است ارائه کنید.

والحمد لله